

نحوه کاربرد مولفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در هویت‌دهی به کارگزاران اجتماعی در روزنامه‌های داخلی و خارجی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران

گیتی تازی^۱ / مریم نخعی^۲

تاریخ دریافت مقاله: دی ۹۵ تاریخ پذیرش نهایی: شهریور ۹۷

چکیده

اساس تحلیل گفتمان انتقادی، بیان نحوه بازنمود رخدادهای سیاسی و اجتماعی در زبان است و هدف آن مشخص‌سازی ایدئولوژی‌های فرهنگی و اجتماعی است که پایین‌تر از سطح کاربرد آگاهانه هستند و در همه اشکال زبانی که مردم استفاده می‌کنند، جای می‌گیرند. در این زمینه ون لیوون (۱۹۹۶) با معرفی مولفه‌هایی جامعه‌شناختی - معنایی، الگویی را برای تحلیل متن ارائه کرده است. این پژوهش بر آن است تا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و براساس الگوی مذکور، بهره‌گیری از چهار مؤلفه‌ی تشخیص بخشی، تشخیص زدایی، پیونددهی و تفکیک کردن را در گزیده‌ای از عناوین روزنامه‌های داخلی و خارجی پیرامون برنامه‌ی هسته‌ای ایران در سال ۱۳۹۰ تحلیل کند تا به این سوال پاسخ دهد که آیا این دو گروه از روزنامه‌ها از مولفه‌های مذکور در بازنمایی کارگزاران در برنامه هسته‌ای ایران بهره می‌برند و آیا تفاوتی در این بهره‌گیری وجود دارد. بدین منظور ۲۴۲ تیر از دو روزنامه داخلی کیهان و ایران و دو روزنامه خارجی واشنگتن پست و گاردین انتخاب شد و داده‌ها به روش تحلیلی - توصیفی بررسی شد. هم‌چنین تحلیل‌های آماری نیز با استفاده از نرم‌افزار اکسل انجام شد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که هر دو گروه از روزنامه‌ها از مولفه‌های مذکور جهت نقش‌دهی و بازنمایی کارگزاران استفاده کرده‌اند اما این امر به شکلی متفاوت و کاملاً هدف‌مند انجام شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، تشخیص بخشی، تشخیص زدایی، پیونددهی، تفکیک کردن.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

۲- کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: nakhaei1385@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

گفتمان بواسطه‌ی کاربرد در علوم مختلف، دارای معانی متفاوتی است و نمی‌توان معنای واحدی را برای آن متصور شد. آن‌چنان که راجرز (۲۰۱۱) بیان می‌کند گستردگی مشخصه‌های گفتمان و عناصری که آن را تشکیل می‌دهند، سبب متفاوت و متنوع شدن معنای این واژه شده است. عمده‌ی تعاریفی که از گفتمان بیان شده است، آن را گونه‌ای نوشتاری یا گفتاری از زبان می‌داند. اما در این زمینه صاحب‌نظرانی هستند که عوامل دیگری هم‌چون مسائل اجتماعی را در ارائه‌ی تعریف گفتمان دخیل می‌دانند. بر مبنای این تعاریف، گفتمان هم‌زمان هم مفهومی زبانی دارد و هم اجتماعی. از جمله آن‌ها ون لیوون (۲۰۰۵) است که به ارائه‌ی تعریفی از گفتمان می‌پردازد که به گفته‌ی او متفاوت از تعاریف معمول است. تعاریفی که گفتمان را صورتی نوشتاری یا گفتاری از زبان می‌دانند که بهم پیوسته است. وی گفتمان را دانشی درباره‌ی جنبه‌هایی از واقعیت می‌داند که به صورت اجتماعی نظام یافته است.

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی نوین به زبان است که در منابع مختلف، پیدایش این نوع تحلیل گفتمان دهه هفتاد میلادی عنوان شده است. می‌توان گفت که روی آوردن به تحلیل انتقادی گفتمان عملاً برای پوشش ضعف‌هایی است که رویکرد غالب تحلیل گفتمان در آن برهه از زمان، یعنی صورت‌گرایی داشته است. از این‌رو و به جهت برطرف ساختن این ضعف‌ها، مفاهیمی چون قدرت و ایدئولوژی به تحلیل گفتمان اضافه و به نوعی میان بافت‌های زبانی و مسائل اجتماعی و فرهنگی ارتباط ایجاد شده است.

در دنیای کنونی رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی مردم بسیار مؤثرند. اطلاعاتی که از رسانه‌ها پخش می‌شود تا حد زیادی به برداشت‌های عموم از واقعیت‌ها شکل می‌دهد (ربیبی و احمدزاده نامور، ۱۳۷۸). از آن جهت که رسانه‌های گروهی جایگاه بیان قدرت و بحث و جدل هستند و زبان ظاهراً در آنها آشکارا و بی‌پروا مورد استفاده قرار می‌گیرد. رسانه‌های گروهی اغلب

ادعا می‌کنند که در پوشش خبرها بی‌طرف هستند و همواره مکانی را فراهم می‌آورند تا عموم بتوانند به اظهارنظر بپردازند. اما آنها عملاً نقشی واسطه‌گرایانه دارند (وداک و مییر، ۲۰۰۱).

یکی از این الگوهای تحلیلی در تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی جامعه‌شناختی - معنایی است که ون لیوون (۱۹۹۶) ارائه کرده است. امتیاز این الگو، اهمیت دادن به کارگزاران اجتماعی و استفاده از مفاهیمی گفتمانی - معنایی به جای استفاده از صورت‌های دستوری معمول مانند ساخت مجهول و یا نام‌گذاری است. وی مؤلفه‌های متعددی را جهت تحلیل متن پیشنهاد می‌کند. از آنجا که بررسی همه‌ی این مؤلفه‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست، چهار مؤلفه‌ی نسبتاً پرکاربردتر از بین آنها انتخاب و بررسی شده است. هدف از انتخاب این چهار مؤلفه نحوه بازنمود کارگزاران در موضوع برنامه هسته‌ای ایران براساس دیدگاه رسانه‌هاست. در این مقاله در پی آن هستیم تا ضمن به کارگیری الگوی مذکور به این سوال‌ها پاسخ دهیم که با توجه به مولفه‌های تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، پیوند زدن و تفکیک کردن، آیا دو گروه روزنامه‌های داخلی و خارجی از این مولفه‌ها برای هویت‌دهی به کارگزاران درباره برنامه هسته‌ای ایران استفاده کرده‌اند و آیا در میزان بکارگیری مؤلفه‌ها تفاوت وجود دارد؟ فرض بر این است که روزنامه‌های مذکور جهت بازنمود کارگزاران از این مولفه‌ها استفاده کرده‌اند و در میزان بکارگیری آنها نیز از سوی این روزنامه‌ها تفاوت وجود دارد.

پژوهش حاضر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و براساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) انجام شده است. تعریف ون لیوون از گفتمان متفاوت از تعاریف رایج این مفهوم است. وی (۲۰۰۵) گفتمان را دانشی درباره‌ی جنبه‌هایی از واقعیت می‌داند که به شکلی اجتماعی و در بافت اجتماعی خاصی نظام یافته است. نحوه‌ی توسعه این دانش به گونه‌ای است که برای علایق و سلايق کارگزاران در این بافت اجتماعی مناسب است. این بافت می‌تواند قالبی به بزرگی همکاری‌های چندملیتی

پیوند زدن و تفکیک کردن، نام دهی، طبقه بندی، جنس ارجاعی و نوع ارجاعی که البته هر کدام از آنها خود شامل زیرمقوله‌های متفاوتی می‌باشند. در «فعال‌سازی» کارگزاران اجتماعی به عنوان نیروهای فعال و پویا بازنمایی می‌شوند و در «منفعل‌سازی» کارگزاران به صورت عوامل تاثیرپذیر ظاهر می‌شوند. «تشخص‌بخشی» به معنای دادن مشخصه‌ی انسانی به کارگزاران اجتماعی است. اما در «تشخص‌زدایی» کارگزار به صورت غیرانسان تظاهر می‌کند. در «پیوند زدن» کارگزاران اجتماعی مشخص شده در «تفکیک کردن» یک فرد یا یک گروه اجتماعی از کارگزاران، با صراحت از دیگر گروه‌های مشابه تفکیک می‌شود. در «نام‌دهی» و «طبقه‌بندی» کارگزاران اجتماعی ممکن است با توجه به هویت منحصر به فردشان بازنمایی شوند دو مؤلفه‌ی آخر «جنس ارجاعی» و «نوع ارجاعی» هستند. جنس واقعیتی است که از طبقه‌بندی تعدادی از انواع حاصل می‌شود و نوع واقعیتی است که با تجربه‌ی بلافصل درک می‌شود.

پیشینه‌ی پژوهش

اغلب مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌ها در کشور ما در قالب پایان نامه‌های دانشگاهی و یا مقاله بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. رزمجو، ثانوی (۱۳۷۸) ضمن بهره‌گیری از الگوی ون‌لیوون (۱۹۹۶) و بررسی اخبار شبکه‌های مختلف، به تحلیل گفتمان انتقادی شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران و کشف ساختارهای گفتمان‌مدار در زبان اخبار پرداخته‌اند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد ساختارهای گفتمان‌مدار بسیاری در اخبار مورد استفاده قرار می‌گیرند و استفاده از مؤلفه‌های ذکرشده در اخبار قابل کشف است. درصد استفاده از ساختارهای گفتمان‌مدار در خبرهای شبکه یک به مراتب بیشتر از شبکه سه می‌باشد. علت آن است که شبکه یک شبکه‌ای ملی است و به همین دلیل اخبار را با جزئیات بیشتری نسبت به شبکه سه ارائه می‌دهد یارمحمدی، سیف (۱۳۸۳) در مقاله‌ای، نحوه‌ی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق

داشته باشد، بافت اجتماعی کوچکی مانند یک خانواده خاص و یا بافتی نظام یافته مانند مطبوعات باشد.

ون‌لیوون (۲۰۰۹) معتقد است بنیان تحلیل گفتمان انتقادی را بر این اصل استوار است که نحوه‌ی بیان گفتار و نوشتار بر تداوم و موجه ساختن عواملی چون تبعیض، نابرابری و اعمال زور بر جامعه از سوی قدرت حاکم تاثیر دارد. ضمن این که این نوع تحلیل به میزان ارزش‌دهی به موضوعات اجتماعی در گفتمان صاحبان قدرت می‌پردازد. از نگاه وی چالش اصلی در نحوه‌ی ساخت و بازنمود موضوعات اجتماعی در گفتمان نهادهای صاحب قدرت، انجام این امر بر پایه‌ی مباحثات زبانی و در واقع با استفاده از آنهاست.

ون‌لیوون (۲۰۰۸) هدف خود را از بیان چارچوب نظری که در سال ۱۹۹۶ با عنوان «بازنمایی کارگزاران اجتماعی»، ارائه می‌دهد، تحلیل تدابیر و امکاناتی می‌داند که زبان انگلیسی برای بازنمود نقش و هویت کارگزاران اجتماعی از آنها استفاده می‌کند. وی (۲۰۰۹) عنوان می‌کند که برای توسعه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی به جای استفاده از صورت‌های دستوری معمول مانند ساخت مجهول و یا نام‌گذاری، از مفاهیمی گفتمانی - معنایی مانند حذف استفاده کرده است تا به وسیله‌ی آن حذف کارگزاران را از رخدادهایی که در آن شرکت داشته‌اند، بازنمود کند. در الگوی ون‌لیوون کنش اجتماعی و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مفاهیمی اساسی محسوب می‌شوند. کنش اجتماعی کلیه‌ی اعمالی است که در طول روز، در اثر تجویز آشکار یا پنهان انجام می‌دهیم و منظور از مولفه‌های گفتمان‌مدار، عناصر و مشخصه‌های متن است که با توجه به مسائل جامعه‌شناختی و معنایی از گفتمان به دست می‌آیند.

مؤلفه‌های اصلی گفتمان‌مدار این الگو «حذف و اظهار» هستند. در حذف کارگزاران اجتماعی به نوعی حذف شده‌اند که ممکن است به صورت «پنهان‌سازی» یا «کمرنگ‌سازی» نمود داشته باشد. مؤلفه‌های دیگر این الگو زیر مؤلفه‌های اظهار می‌باشند. در اظهار، کارگزاران اجتماعی به وضوح در گفتار ظاهر می‌شوند. اظهار می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی باشد که عبارتند از: فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تشخص‌بخشی و تشخص‌زدایی،

روش تحقیق

داده‌های مورد نیاز این پژوهش با استفاده از آرشیو پایگاه‌های اینترنتی دو روزنامه‌ی فارسی زبان کیهان و ایران و دو روزنامه‌ی انگلیسی زبان گاردین و واشنگتن پست در طول سال ۱۳۹۰ (معادل آوریل ۲۰۱۱ تا فوریه ۲۰۱۲) جمع‌آوری گردیده است. مجموع عناوین جمع‌آوری شده از چهار روزنامه، ۲۴۲ عنوان است که ۱۲۱ عنوان از هر گروه (داخلی و خارجی) را شامل می‌شود. علت انتخاب دو روزنامه ایران و کیهان به دلیل داشتن موضع واحد آنها در قبال برنامه هسته‌ای بود. در مورد روزنامه‌های خارجی نیز هدف انتخاب دو روزنامه معتبر بود که همسو با سیاست‌های انگلیس و آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران بودند.

روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی است. ابتدا عناوین روزنامه‌های ذکر شده با توجه به الگوی ون‌لیوون (۱۹۹۶) توصیف و براساس چهار مؤلفه تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، تفکیک کردن و پیوند دادن مورد تحلیل کیفی قرار گرفت. ضمن اینکه تحلیل کمی داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار اکسل انجام شد.

تحلیل داده‌ها

آن‌چنان که ذکر شد تحلیل داده‌ها به دو صورت کیفی و کمی صورت می‌گیرد. ابتدا به تحلیل کیفی و توصیف مؤلفه‌ها و تحلیل داده‌ها و سپس به تحلیل کمی تحقیق می‌پردازیم.

تشخیص‌بخشی

به کارگزاران اجتماعی می‌توان مشخصه‌ی انسانی یا غیرانسانی داد. تشخیص‌بخشی دادن مشخصه‌ی انسانی به کارگزار است و به دو زیر مؤلفه مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی تقسیم می‌شود.

الف - مشخص‌سازی

مشخص‌سازی هنگامی رخ می‌دهد که هویت کارگزار اجتماعی به نحوی مشخص، روشن و شناخته شده است که به دو گونه، متمایز می‌شود: مشخص‌سازی تک موردی و چند موردی.

ساختارهای گفتمان‌مدار را در روزنامه‌های داخلی و خارجی به لحاظ کمی و کیفی مورد بررسی قرار داده‌اند. داده‌های پژوهش، مقالاتی درباره‌ی منازعات فلسطین و اسرائیل هستند که از روزنامه‌های فارسی زبان کیهان و رسالت، که محافظه‌کار بودند و همشهری و آفتاب یزد، که اصلاح طلب قلمداد می‌شدند، انتخاب شدند. همچنین مقاله‌هایی از روزنامه‌های انگلیسی زبان گاردین، ایندپندنت، واشنگتن پست و شیکاگو سان تایمز مورد استفاده قرار گرفتند تا از حیث استفاده از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار الگوی پژوهش، مورد بررسی قرار گیرند. نتایج تحلیل که حاصل مقایسه‌ی دو به دوی این روزنامه‌هاست، حاکی از تشابه دیدگاه دو روزنامه‌ی آمریکایی و دو روزنامه‌ی فارسی زبان اصلاح طلب است. اما در موارد دیگر تفاوت‌ها کاملاً ملموس است. در این پژوهش به این نکته اشاره می‌شود که علیرغم ادعای نویسندگان روزنامه‌ها مبنی بر بی‌طرفی در ارائه‌ی اخبار، هیچ نوشته‌ای خالی از ارزش‌گذاری خاص نیست و دیدگاه‌های آنها در قالب ساخت‌های زبانی خاص نمود پیدا می‌کند. در مقاله‌ای با عنوان «آیا این مرد به بمب اتم دست می‌یابد» به قلم سلطانی و شاقاسمی (۱۳۹۱) نحوه‌ی انعکاس مناقشات هسته‌ای ایران در مطبوعات آمریکا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار گرفته است. محققین ضمن بیان این موضوع که رسانه‌ها در همه‌جای جهان خواسته‌ها و ایدئولوژی صاحبان خود را بازتاب می‌دهند، به بررسی این سؤال پرداخته‌اند که چگونه این ایدئولوژی‌ها به نویسندگان مطبوعات منتقل می‌شوند و در قالب متن بازتاب می‌یابند. در این مقاله نشان داده شده است که چگونه رسانه‌ها ضمن استفاده از مقوله‌های زبانی در متون خبری خود، بدون اینکه به وجه بی‌طرفی آن متن خدشه‌ای وارد شود، دیدگاهی را بازنمود می‌کنند که در واقع انعکاسی از نیت کسانی است که روزنامه حامی آنهاست. در پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته تاکنون به بررسی برنامه هسته‌ای ایران به صورت همزمان در روزنامه‌های داخلی و خارجی پرداخته نشده است و یا از الگویی متفاوت از الگوی ون‌لیوون بهره گرفته شده است.

۱- مشخص‌سازی تک موردی

چنان‌چه کارگزار اجتماعی در آن واحد در یک عمل یا نقش اجتماعی مشخص شرکت داشته باشد، تصویرسازی به صورت مشخص‌سازی تک موردی است.

۱) رمزی کلارک؛ دادستان سابق آمریکا؛ ایران تصمیمی برای تولید سلاح هسته‌ای ندارد (کیهان، ۱ اسفند، ۱۳۹۰).

۲) دمپسی؛ رئیس ستاد مشترک نیروی نظامی آمریکا؛ ترور دانشمندان ایرانی کار اسرائیل و آمریکا است (کیهان، ۲۹ دی، ۱۳۹۰).

3) Turkish PM, Erdogan in Tehran for nuclear talks. (Guardian, Mar 28, 2011)

سفر اردوغان نخست وزیر ترکیه به تهران برای انجام مذاکرات هسته‌ای.

4) US defense secretary, Leon Panetta: US didn't kill Iranian nuclear scientist. (Guardian, Jun 14, 2012)

لئون پنتا وزیر دفاع آمریکا؛ آمریکا در قتل دانشمند هسته‌ای ایران دست ندارد.

در جملات فوق کارگزار صرفاً در یک نقش اجتماعی حضور دارد و بدین صورت مشخص و شناخته شده است. مشخص‌سازی کارگزاران در قالب تک موردی به نوعی برای برجسته‌سازی و تاکید بر موضع آنها درباره برنامه هسته‌ای ایران است و روزنامه‌های مذکور بدین شکل از این دیدگاه‌ها در جهت حمایت از دیدگاه مقبول خود بهره می‌گیرند.

۲- مشخص‌سازی چندموردی

این نوع مشخص‌سازی به زیر مؤلفه‌های وارونگی، نمادین‌شدگی، دلالت‌ضمنی و فشرده‌شدگی تقسیم می‌شود.

الف) وارونگی: در این حالت کارگزار اجتماعی با دو نقش وارونه و متضاد هم، بازنمایی می‌شود که این دو نقش می‌توانند شخصیت مربوط به گذشته و زمان حال باشند و یا این که در قالب دو نقشی که با هم هم‌خوانی ندارند و ناهنجارند، نمایانده شوند. نوع اول را زمان درهمی و نوع دوم را هویت درهمی خوانده‌اند. در مثال

نوع اول (زمان درهمی) می‌توان شخصی را در هیئت رستم دستان با کلاه خود مخصوص دید که با کلاشینکف در تپه‌های اطراف شیراز (به عنوان کوه قاف) دنبال دیو سفید می‌گردد. در مورد دوم (می‌توان به کتاب‌های موش و گربه‌ی عبیدزاکانی و کلیله و دمنه که حیوان‌ها در نقش انسان و یا بالعکس ظاهر می‌شوند، اشاره کرد. طنزنویسان و سایر نویسندگان، جهت فرار از سانسور یا هدف‌های دیگر معمولاً از این شگردها زیاد بهره می‌گیرند (بارمحمدی و سیف: ۱۳۸۳).

ب) نمادین‌شدگی: در این حالت کارگزاران خیالی، اسطوره‌ای و یا داستانی به جای کارگزاران واقعی به کار می‌روند. در داده‌های پژوهش نمونه‌ای با این مشخصات یافت نشد.

ج) دلالت‌ضمنی: در این حالت ممکن است که یک کارگزار مشخص منحصراً به فرد در عین حال مقوله یا نقش دیگری را بر عهده داشته باشد. در واقع دلالت ضمنی، نوعی مشخص‌نمایی خاص و منحصراً به فرد است که به همراه خود معانی، اشارات و دلالت‌هایی را به صورت ضمنی به ذهن متبادر می‌کند.

۵) رژیم صهیونیستی مسئولیت ترور شهید رضایی نژاد را پذیرفت (کیهان، ۵ مرداد، ۱۳۹۰).

۶) مؤسسه رند آمریکا؛ تنها راه توقف برنامه‌ی هسته‌ای ایران روی کار آمدن جنبش سبز است (کیهان، ۲۳ خرداد، ۱۳۹۰).

در نمونه‌های ذکر شده، عبارت «رژیم صهیونیستی» مفاهیمی چون جنگ‌طلبی و خشونت و جنایات اسرائیل را به مخاطب القا می‌کند. هم‌چنین عبارت «جنبش سبز» می‌تواند مضامینی به همراه داشته باشد که به نوعی یادآور حوادث انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸ می‌باشد. در روزنامه‌های خارجی نمونه‌ای با این مضمون یافت نشد.

د) فشرده‌شدگی: آخرین مؤلفه از این نوع، فشرده‌شدگی است که معادل اطلاق صفت یا ویژگی‌ای خاص به گروهی خاص است.

۷) ایستادگی ایران نتیجه داد؛ برق اتمی بوشهر در شبکه سراسری (کیهان، ۲۲ شهریور، ۱۳۹۰).

تشخص‌زدایی

در تشخیص‌زدایی، کارگزاران به صورت غیر انسان ظاهر می‌شوند که خود دو گونه دارد: انتزاعی کردن و عینی کردن

الف - انتزاعی کردن

در این مؤلفه کارگزار اجتماعی با صفت و کیفیت بازنمایی می‌شوند.

(۱۳) منابع اسرائیل: بهار عربی برنامه هسته‌ای ایران را به حاشیه برد (کیهان، ۹ آبان، ۱۳۹۰).

(۱۴) قدرت‌های هسته‌ای معاهده NPT را نادیده گرفتند (کیهان، ۲۳ خرداد، ۱۳۹۰).

در مثال‌هایی که ذکر شد، عبارت «بهار عربی» به عنوان صفتی معادل انقلاب‌های کشورهای عربی به کار رفته است هم‌چنین «قدرت‌های هسته‌ای» نیز اشاره به کشورهای صاحب قدرت در زمینه انرژی هسته‌ای دارد.

15) Iran nuclear talks: west demands closure of Fordo underground facilities. (Guardian, Apr 8, 2011)

مذاکرات در باره برنامه هسته‌ای ایران: درخواست غرب از ایران برای تعطیلی سایت زیرزمینی فردو.

16) Western powers agree to resume Iran talks over nuclear program. (Guardian, Mar 6, 2011)

موافقت قدرت‌های غربی با از سرگیری مذاکرات با ایران درباره برنامه هسته‌ای این کشور عبارات مشخص شده در نمونه‌های بالا، صفت‌هایی هستند که به آمریکا و کشورهای هم‌پیمانانش اطلاق شده است.

ب - عینی کردن

مؤلفه‌ی دیگر تشخیص‌زدایی، عینی کردن است. عینی کردن حالتی است که کارگزاران توسط مکان، ابزاری که با فعالیت آنها ارتباط دارد، گفته و یا اشاره به اندام آنها تصویر سازی می‌شوند. از اینرو، این مؤلفه‌ها به ترتیب مکان‌مداری، ابزارمداری، گفته‌مداری و اندام‌مداری نام گرفته‌اند.

(۸) آژانس تبدیل به سازمانی سیاسی برای اجرای منویات آمریکا شده است (ایران، ۱۸ خرداد، ۱۳۹۰).
در مثال‌های بالا صفت «ایستادگی»، به دولت و ملت ایران و ویژگی «سازمانی سیاسی» به آژانس انرژی اتمی اطلاق شده‌اند.

Iran nuclear pariah. (Washingtonpost, Aug 4, 2011)

ایران (کشور) منزوی هسته‌ای

10) Netanyahu to AIPAC: A nuclear-armed Iran must be stopped. (Guardian, Mar 6, 2011)

نتانیاهاو خطاب به آئیپک: ایران مسلح به سلاح هسته‌ای، باید متوقف شود.

در نمونه‌هایی که از روزنامه‌های خارجی بیان شد، صفات «منزوی» و «مسلح به سلاح هسته‌ای» به ایران و در واقع مسئولان آن نسبت داده شده است. مشخص ساختن کارگزار با استفاده از صفت، نسبت دادن مشخصه‌ای خاص به صورت منفی یا مثبت و یا بازنمایی او در قالب شخصیتی اسطوره‌ای، از شگردهای تاثیرگذار روزنامه‌های مذکور در تشخیص‌بخشی به کارگزاران است که نه به صورتی آشکار بلکه با بهره‌گیری از حربه‌های این‌چنینی کارگزار مورد نظر در مرکز توجه قرار می‌گیرد و تصویر مورد نظر روزنامه از او به مخاطب القا می‌شود.

ب - نامشخص‌سازی

به طور معمول، نامشخص‌سازی با به کارگیری ادات ابهام و ضمائر مبهم مانند: هر کسی، اندکی، بعضی و غیره در جلوی اسامی و تعبیرات حاصل می‌گردد.

(۱۱) برنامه هسته‌ای جدید ایران: ساخت تاسیسات چند منظوره (کیهان، ۲۳ شهریور، ۱۳۹۰).

(۱۲) رئیس‌جمهور در پنجمین سال‌روز ملی فنآوری هسته‌ای: هیچ ظرفیت هسته‌ای نباید از دسترس ملت دور بماند (ایران، ۲۱ فروردین، ۱۳۹۰).

عبارات مشخص شده، نمونه‌هایی از نامشخص‌سازی هستند. در عناوین روزنامه‌های خارجی نمونه‌ای از این مؤلفه یافت نشد.

آخرین زیر مؤلفه‌ی عینی کردن اندام مداری است به جای کارگزار از اندام آن برای بازنمایی استفاده می‌شود. (۲۴) ایران همزمان با سوخت‌گذاری راکتور هسته‌ای تهران برای مذاکره با ۱+۵ اعلام آمادگی کرد؛ مذاکره با دست پر هسته‌ای (ایران، ۲۷ بهمن، ۱۳۹۰).

25) IAEA returns from Tehran empty-handed

بازگشت ماموران آژانس از تهران با دست خالی در تشخیص‌زدایی بنا بر دیدگاه مورد حمایت اصحاب روزنامه، هویت اصلی کارگزار روشن نیست. بنابراین برای بازنمایی او به جای مشخص‌سازی او، به ویژگی او، ابزار و مکان مرتبط با کار او و یا اندام و گفته او استناد می‌شود تا عملاً نوعی ابهام ایجاد شود برای نمونه در جمله شماره ۱۷ کارگزار باز نمود نیافته و به جای آن از مکان استفاده شده است، در جمله شماره ۲۰ به جای کارگزار از ابزار یعنی بمب اتم استفاده شده است، در جمله ۲۲ به جای کارگزار به گفته او استناد شده است و در جمله شماره ۲۵ اندام به جای کارگزار بازنمود یافته است.

پیونددهی

ویژگی مؤلفه پیونددهی این است که در آن بازنمود کارگزاران به صورت گروه‌های مشخصی است که در مورد عملی واحد، نظری واحد دارند که این دیدگاه می‌تواند موافق یا مخالف باشد.

(۲۵) مذاکرات ایران و ۱+۵ در استانبول (ایران، ۱ اسفند، ۱۳۹۰).

(۲۶) ایران خطاب به آمریکا و اسرائیل: مسئولیت ترور دانشمندان ایرانی مستقیماً با شماس است (کیهان، ۲۱ خرداد، ۱۳۹۰).

27) Iran accuses US and Britain of role in killing of nuclear scientist (Guardian, Jun 14, 2012).

ایران آمریکا و انگلیس را متهم به دست داشتن در قتل دانشمند هسته‌ای این کشور کرد

28) Barak Obama warns Iran and North Korea over nuclear weapons. (Guardian, Mar 20, 2011)

(۱۷) سفیر ایران در لاهه: آمانو پیش از انتشار گزارش دستورهای لازم را از واشنگتن دریافت کرد (کیهان، ۲۳ آبان، ۱۳۹۰).

نمونه‌ی فوق تنها مورد از مکان مداری در داده‌های مربوط به روزنامه‌های داخلی است. در روزنامه‌های خارجی از این مؤلفه به مراتب بیشتر استفاده شده است که همانند نمونه فوق در آنها به جای کارگزار از مکان مرتبط با آنها استفاده شده است. مثال‌های زیر از این دست هستند.

18) United Nations confirms talks over Tehran's atomic capacity will take place in Vienna. (Guardian, Apr 28, 2011)

سازمان ملل تایید کرد؛ مذاکرات درباره‌ی ظرفیت هسته‌ای تهران در وین برگزار خواهد شد.

19) Washington says it's peering into nuclear crannies ahead of talks. (Guardian, Apr 8, 2011)

واشنگتن می‌گوید که قبل از مذاکرات هسته‌ای، همه تاسیسات هسته‌ای ایران را به دقت زیر نظر دارد.

در عناوین تحلیل‌شده‌ی روزنامه‌های خارجی نمونه‌ای از ابزار مداری در مفهومی که ذکر شد وجود نداشت. جملات زیر نیز تنها مثال‌های یافت شده در روزنامه‌های داخلی است که نگارندگان معتقدند می‌توان آنها را جزو این مؤلفه محسوب کرد.

(۲۰) آمریکا از نفوذ ایران می‌ترسد نه از بمب اتمی (کیهان، ۱۳ مهر، ۱۳۹۰).

(۲۱) سلاح هسته‌ای بهانه است، آمریکا اهداف دیگری درباره ایران دنبال می‌کند (کیهان، ۲۷ تیر، ۱۳۹۰).

گفته مداری سومین مؤلفه از این نوع است. جملات زیر مثال‌های از این زیرمؤلفه هستند.

(۲۲) اعتراف آمانو به پیشرفت‌های جدید در تازه‌ترین گزارش آژانس (کیهان، ۱۳ شهریور، ۱۳۹۰).

23) UN report cites secret nuclear researched by Iran (Washington post, Nov 9, 2011).

گزارش سازمان ملل از تحقیقات هسته‌ای سری در شهرهای ایران

31) Russian scientists at center of Iranian mystery. (Washington post, Nov 14, 2011)

دانشمندان روسی در مرکز معمای ایرانی

32) Western powers agree to resume Iran talks over nuclear program. (Guardian, Mar 6, 2011)

موافقت قدرت‌های غربی برای از سرگیری مذاکرات با ایران درباره‌ی برنامه هسته‌ای آن

در این جملات نیز «دانشمندان روسی» و «قدرت‌های غربی» به طور مشخص از سایرین متمایز شده‌اند. استفاده از این مؤلفه بر خلاف پیوند زدن در جهت جداسازی و انفکاک کارگزاران از یکدیگر است. برای نمونه در جمله ۳۲ قدرت‌های غربی به عنوان قدرت‌هایی که روبروی برنامه هسته‌ای ایران ایستاده‌اند از سایرین منفک شده‌اند که می‌توان آن را در جهت تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی تلقی کرد. بدین معنی که قدرت‌های غربی در یک جبهه واحد و ایران نیز در جبهه‌ای دیگر است. تفکیک کارگزاری مشخص به معنای جداسازی او از جبهه خودی و قرار دادن آن در جبهه مقابل است.

در بخش تحلیل کمی، به بررسی تفاوت بسامد به کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی ذکر شده در الگوی مذکور پرداخته می‌شود. برای انجام این امر با استفاده از نرم‌افزاری اکسل، بسامد مؤلفه‌ها تحلیل شد که در قالب جدول و نمودارهایی ارائه می‌گردد.

هشدار باراک اوباما به ایران و کره شمالی درباره تسلیحات هسته‌ای.

پیوند دادن کارگزاران از حیث داشتن نظری واحد یا مخالف در امری، در جهت نشان دادن باورهای مشترک یا متضاد آنها تلقی می‌شود و بواقع برای این امر می‌توان کارگزاران را در عملی منفی یا مثبت پیوند داد. جمله ۲۵ می‌تواند نمونه‌ای از پیونددهی مثبت تلقی شود. پیوند دادن دو کشور «ایران و کره شمالی» در جمله ۲۸ به نوعی معرف اشتراکات این دو و یا یکسان دانستن آنها از حیث داشتن خطری واحد باشد و نمونه منفی پیونددهی است. پیوند دادن آمریکا و اسرائیل در جمله ۲۶ و آمریکا و انگلیس در جمله ۲۷ و به این معناست که آنها در ترور دانشمندان ایرانی سهمی یکسان دارند و نقش هر دو در این مسئله به یک اندازه است.

تفکیک کردن

در مؤلفه‌ی تفکیک کردن در قالب گروه‌های خودی یا غیر خودی، یک فرد از کارگزاران یا گروهی از آنها از دیگران مجزا می‌گردد.

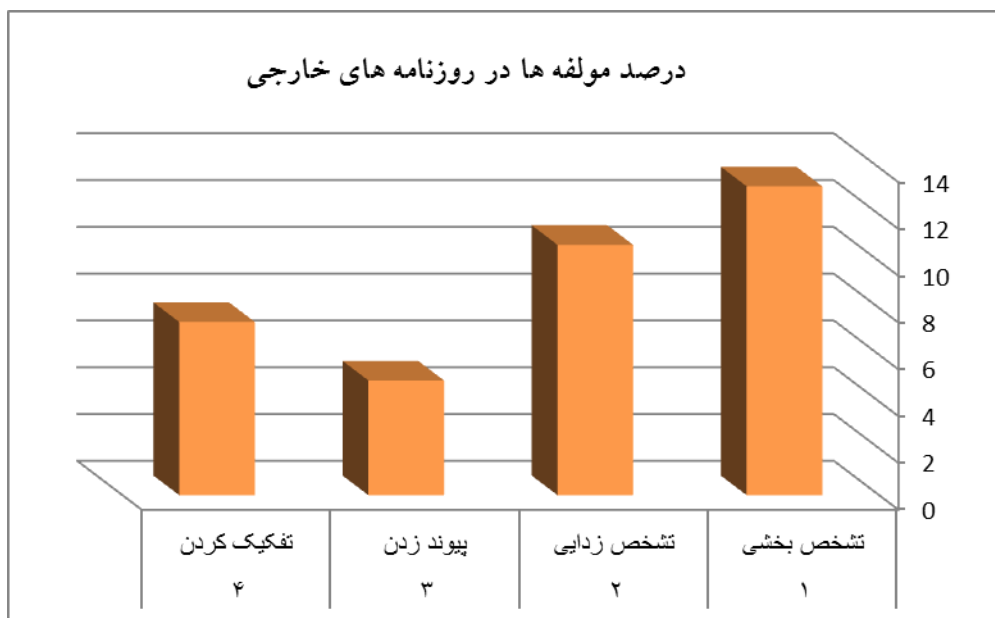
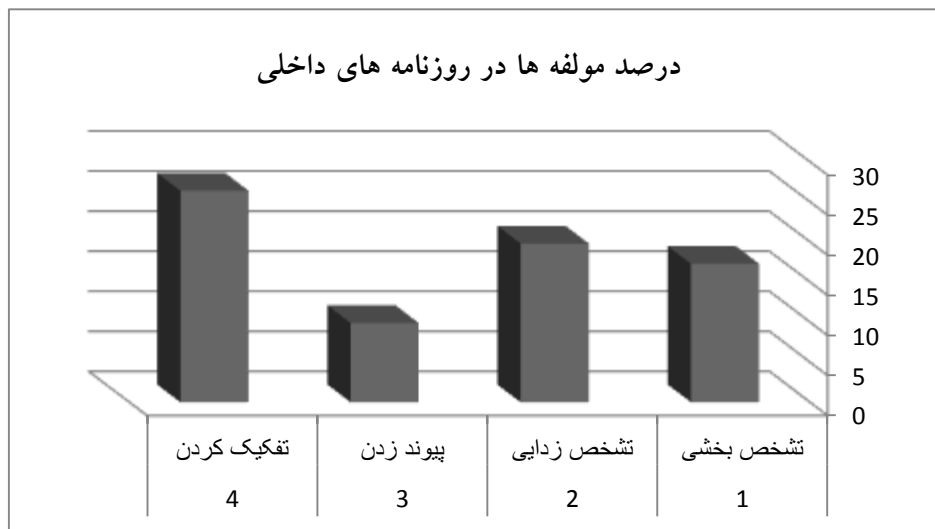
۲۹) رئیس دستگاه قضا: میلیون‌ها مسلمان در سرتاسر جهان انتقام خون دانشمندان ایرانی را می‌گیرند (کیهان، ۲۹ دی، ۱۳۹۰).

۳۰) غریب آبادی: ایران در کنفرانس منع سلاح‌های شیمیایی لاهه، چهره ضد امنیتی آمریکا را به جهان نشان داد (کیهان، ۱۶ آذر، ۱۳۹۰).

در مثال‌های فوق اسامی مشخص شده به وضوح از دیگر کارگزاران منفک شده‌اند.

جدول ۱ - درصد مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در روزنامه‌های داخلی و خارجی

ردیف	مؤلفه‌ها	درصد مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی	درصد مؤلفه‌ها در روزنامه‌های خارجی
۱	تشخص‌بخشی	۱۷,۳	۱۳,۲
۲	تشخص‌زدایی	۱۹,۸	۱۰,۷
۳	پیوند زدن	۹,۹	۴,۹
۴	تفکیک کردن	۲۶,۴	۷,۴



اختصاص داده و در روزنامه‌های خارجی «تشخیص بخشی» با $13/2$ درصد بالاترین میزان را داراست. آن گونه که ذکر شد، پیوند زدن یا تفکیک کردن کارگزاران در جهت نشان دادن وحدت یا تضاد فکری آنها بر سر مسئله هسته‌ای ایران است و هدف از به کارگیری مؤلفه‌ی تشخیص بخشی برای تاکید بر نقش کارگزار و بهره‌گیری از مؤلفه‌ی تشخیص زدایی بازنمود کارگزار در قالب مفاهیمی انتزاعی یا ملموس و عدم تمایل به ذکر نام کارگزار است تا ماهیت آن نامشخص بماند.

آنچنان که مشخص است درصد بهره‌گیری از مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی بیش از روزنامه‌های خارجی است. این مولفه‌ها در روزنامه‌های داخلی به ترتیب $17/3$ ، $19/8$ ، $9/9$ و $26/4$ درصد و در روزنامه‌های خارجی به ترتیب $13/2$ ، $10/7$ ، $4/9$ و $7/4$ درصد است، اما مسئله مهم نحوه و هدف استفاده از این مولفه‌هاست که براساس ایدئولوژی و خط مشی‌ای است که طرفین از آن حمایت می‌کنند متفاوت است. در ضمن از میان مولفه‌های مورد بررسی، در روزنامه‌های داخلی «تفکیک کردن» بیشترین بسامد یعنی $26/4$ درصد را به خود

نتیجه‌گیری

شیوه فعال‌سازی و هویت‌دهی به کارگزاران اجتماعی در الگوی ون‌لیوون اهمیت زیادی دارد. در این تحقیق در پی پاسخ گفتن به این سوال بودیم که آیا روزنامه‌های داخلی و خارجی از مولفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، پیونددهی و تفکیک کردن برای هویت‌دهی به کارگزاران درباره برنامه هسته‌ای ایران استفاده کرده‌اند و آیا درمیزان بکارگیری مؤلفه‌ها تفاوت وجود دارد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد در انعکاس برنامه هسته‌ای ایران هر دو گروه از روزنامه‌ها، از مؤلفه‌های مذکور در هویت‌دهی به کارگزاران بهره گرفته‌اند. اما تحلیل کمی بیان‌گر تفاوت میان روزنامه‌ها در میزان به کارگیری مؤلفه‌ها است و آن‌چنان که در بخش تحلیل کمی ذکر شد میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌ها در روزنامه‌های داخلی نسبت به روزنامه‌های خارجی بیشتر است. اما در مورد نحوه به کارگیری مؤلفه‌ها می‌توان به صورت ضمنی به مسایلی پی برد که در بررسی داده‌ها نویسندگان به آن دست یافته‌اند. این یافته‌های کلی حاکی از این است که استفاده روزنامه‌های خارجی و داخلی از مؤلفه‌ها هدف‌مند است. در واقع تفاوت در میزان و نوع به کارگیری این مولفه‌ها منطبق بر ایدئولوژی‌ای است که روزنامه‌ها از آن حمایت می‌کنند. در روزنامه‌های داخل، استفاده از مولفه‌ها این مؤلفه‌ها در جهت تفکیک میان خودی و غیرخودی و بازنمود چهره‌ای مثبت از نیروهای خودی است. اما روزنامه‌های خارجی بیشتر برای باز نمود چهره‌ای منفی از طرف مقابل از این مؤلفه‌ها استفاده کرده‌اند. برای مثال در مشخص‌سازی تک موردی، روزنامه‌های داخلی افرادی را مشخص‌سازی کرده‌اند که سخنان‌شان همسو با ایده‌ها و نظرات صاحبان آن روزنامه‌ها بوده است. در طرف مقابل در روزنامه‌های خارجی، استفاده از این زیر مؤلفه‌ها برای مشخص‌سازی سفر اشخاص و یا شرکت آنها در مذاکرات بوده است. به عبارتی هرگاه هدف برجسته‌سازی و تاکید بر موضع کارگزار در قبال برنامه هسته‌ای ایران است از مشخص‌سازی تک موردی استفاده شده است که به نوعی موید دیدگاه

روزنامه‌هاست. استفاده از مشخص‌سازی چند موردی و مشخصاً فشرده‌شدگی، در روزنامه‌های داخلی با اطلاق ویژگی‌ای مثبت به برنامه هسته‌ای ایران است مانند: مقاوم و قدرتمند بودن ایران، در حالی که روزنامه‌های خارجی بیشتر به منفی‌سازی طرف مقابل و نسبت دادن ویژگی‌های منفی به ایران مانند «کشور هسته‌ای منزوی»، «مسلح به سلاح هسته‌ای» و ... پرداخته‌اند. اگر چه بهره‌گیری از نام‌مشخص‌سازی و انتزاعی کردن برای ناشناس بودن کارگزار خاصی، در هر دو گروه از روزنامه‌ها صورت گرفته است اما سهم روزنامه‌های خارجی بیشتر است که از آن نمونه می‌توان به استفاده از عبارات «سرویس‌های امنیتی غرب» به جای سازمان سیا در روزنامه‌های خارجی اشاره کرد. در مواردی هر دو گروه روزنامه از یک مؤلفه استفاده کرده‌اند اما یکی با عبارات مثبت و دیگری منفی، مثلاً روزنامه‌های داخل و خارج از زیر مؤلفه اندام‌مداری در قالب اصطلاحاتی متقابل مانند «دست پر» در روزنامه‌های داخل و «دست خالی» در روزنامه‌های خارجی بهره برده‌اند. تفکیک کارگزار به معنای جداسازی او از دیدگاه خودی و قرار دادن او در جبهه غیرخودی است که در پیونددهی نیز این امر در قالب پیوند دادن کارگزاران از حیث داشتن نظر واحد یا مخالف صورت گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که میزان و نحوه بهره‌گیری از مؤلفه‌ها در مورد موضوع هسته‌ای ایران در روزنامه‌های داخلی و خارجی بر حسب دیدگاه سیاسی آنها متفاوت بوده است. هر چند روزنامه‌های خارجی در این زمینه هدف‌مندتر عمل کرده‌اند. در تحلیل داده‌ها مشاهده شد که صرفاً در مواردی محدود از مؤلفه‌های یکسان در انعکاس خبری یکسان استفاده شده بود و اغلب برای انعکاس خبر یکسان، دو گروه روزنامه مؤلفه متفاوتی به کار برده بودند به عبارت دیگر میزان تفاوت در بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها بیشتر از تشابه آنها بوده است.

فهرست منابع

- Van Leeuwen, T.A (2009). Critical Discourse Analysis, In Schiffrine, D. Tanen. Hamilton. (Eds), Handbook of Discourse, London: Routledge.
- Wodak, R & Meyer, M (Eds) (2001). Methods of Critical Discourse Analysis, London: SAGE.
- Woods, N (2006). Describing Discourse: A Practical Guide to Discourse Analysis, New York & London: Hodder Arnold.
- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رزمجو، آیت... و ثانوی، سحر (۱۳۷۸). بررسی شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران در زبان اخبار. تحلیل گفتمان انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی. فصلنامه پازند. سال چهارم، شماره سیزدهم، ۴۱-۶۵.
- ربیعی، علی و احمدزاده نامور، فرناز (۱۳۷۸). نظریه بازنمایی رسانه‌ها و تحلیل افکار عمومی متقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها. مجله دانش سیاسی، ۴ (۲)، ۳۷-۶۲
- سلطانی، علی‌اصغر و شاقاسمی، احسان (۱۳۸۹). آیا این مرد به بمب اتم دست می‌یابد. نگاهی به بازنمایی مناقشات اتمی ایران در مطبوعات آمریکا. مجله جهانی رسانه، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ۱۰، ۱-۱۴
- یارمحمدی، لطف‌ا... و سیف، لیدا (۱۳۸۳). بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان مدار جامعه‌شناختی - معنایی. مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی، ۹۱-۶۱
- Fairclough, N (2004). Analyzing Discourse. London: Routledge
- MacCarthy, M (2000). Discourse Analysis for Language Teachers, Cambridge: Cambridge University press.
- Rogers, R (2011). An Introduction to Critical Discourse Analysis in Education, New York: Routledge.
- Van Dijk, T.A (2001). Critical Discourse Analysis. In Schiffrine, D. Tannen, D & Hamilton, H.E (Eds), Handbook of Discourse, London: Routledge
- Van Leeuwen, T.A (1996). The Representation of Social Actors, In Caldas
- Coulthard, C.R & Coulthard, M (Eds). Text and Practices: Readings in CDA.
- Van Leeuwen, T.A (2005). Introducing Social Semiotics, London: Routledge.
- Van Leeuwen, T.A (2008). Discourse and Practice, London: Oxford University Press.